

حضور (درک) در موافقتنامه

ژنو

امیرفیض- حقوقدان

در ردیف انتقاداتی که نسبت به متن موافقتنامه ژنو، بتحریرها اختصاص یافت، سنگینی بحث، متوجه عبارت **<درک کشورهای ۵+۱>** شده بود که جمهوری اسلامی متعهد به رعایت، احترام و اجرای آن شده است.

هنوز موافقت نامه مزبور در مراحل بسیار ابتدائی و اجرائی است که عبارت **<درک کشورهای ۵+۱>** ماهیت و موضع حضور خود را در موافقتنامه آشکار ساخت. این تحریر به ملاحظه آن می‌رود.

حضور (درک) و اعلام مواضع آن

همانطور که آگاهید شیخ حسن روحانی در کنفرانس جهانی اقتصاد داووس موضوع نیاز ایران را به سرمایه گذاری خارجی مطرح ساخت. درخواست مزبور یک درخواست عادی و معمولی است که همه کشورها کم و بیش خواستار اجرای چنین برنامه ای برای کشور خودشان هستند ولی در نهایت حیرت، با واکنش آمریکا یعنی شخص آقای اوباما روبرو شد وی گفت:

نه تشدید تحریم ها و نه افزایش سرمایه گذاری در ایران

در تفسیر اظهارات آقای اوباما، شخصیت های سیاسی آمریکا گفته اند: **<اگر سرمایه ها بسوی ایران جاری شود این کشور ممکن است اشتهايش را برای رسیدن به یک توافق جامع از دست بدهد.>**

متعاقب اظهارات آقای اوباما آقای جان کری وزیر خارجه آمریکا ادعا کرد که **<ایران نیازی به غنی کردن اورانیوم ندارد و ما اجازه نمیدهیم که ایران دارای آب سنگین باشد.>**

و اما بعد

ظاهر اظهارات آقای اوباما و کری موجب این تداعی است که حضرات، موافقتنامه ژنو را نادیده گرفته اند و به همین اعتبار، کسانی آنرا حمل بر نقض موافقتنامه ژنو از سوی آمریکا میدانند. در حالیکه تداعی آنان درست نیست و تطبیق مورد با نقض موافقت نامه از سوی آمریکا، ناشی از بی توجهی همان کسان به موافقت نامه ژنو است.

توضیح مکمل توضیحات درباره موافقتنامه

مسئله بی توجهی به موافقتنامه که در بالا عنوان شد لازم میسازد که یک توضیحی که مکمل توضیحات سابقه در رابطه باتجزیه و تحلیل موافقتنامه است ارائه گردد.

تعهدات جمهوری اسلامی در موافقتنامه ژنو، به دودسته تقسیم میشود یک دسته، تعهدات ذکر شده است که ۵+۱ قبل از موافقت نامه و یادرجریان موافقت نامه به لزوم قرارداد آنرا در ردیف تعهدات جمهوری اسلامی رسیده که به ردیف و بطور صریح احصاء و در موافقتنامه ذکر شده است.

موافقتنامه ژنو به تعهدات ذکر شده، قانع و راضی نشده و احتمال اینکه در آینده یعنی بعد از امضای موافقت نامه نیز تحمیل تعهداتی بر جمهوری اسلامی لازم باشد را از یاد نبرده و با متعهد ساختن جمهوری اسلامی به **درک کشورهای ۵+۱** احتمالات نا محدود و غیرقابل پیش بینی را عملاً در تعهد جمهوری اسلامی قرارداد داده است.

نیازی به باز شکافتن بیشتر نیست که درک کشورهای ۵+۱، کلی است و بهر عملی که ناشی از تصور و یا خیال و یا احتمال کشورهای ۵+۱ باشد تسری دارد.

کاملاً درست است که چنین شرطی از شروط صحیح عقد نیست. و تعهد، باید روشن و مشخص باشد ولی بهر حال در موافقتنامه پیاده شده و جمهوری اسلامی هم چه در موقع امضای موافقت نامه و چه در بعد آن بطور جدی در مقام حذف و یا محدودیت آن شرط بر نیامده و بیشتر آنکه از موافقتنامه هم ابراز رضایت کرده و بنابر اظهارات رفسنجانی **کارهای دیپلماتها، قبل و بعد از مذاکرات به تائید رهبر رسید** (۶ بهمن ماه).

بنابراین، اظهارات آقای اوپاما و جان کری درباره ممنوعیت سرمایه گذاری کشورها و یا عدم نیاز ایران به غنی سازی اورانیوم و یا اینکه آمریکا اجازه نخواهد داد که ایران تاسیسات آب سنگین داشته باشد، درست است که در تعهدات احصاء شده ایران در موافقتنامه نیست ولی شامل بخش تعهدات ذکر نشده (بخش تعهد ایران به درک کشورهای ۵+۱) قرارداد دارد.

ارتباط سرمایه گذاری خارجی و قطعنامه شورای امنیت

قطعنامه های شورای امنیت که مجموعاً در قطعنامه شماره ۱۹۲۹ که در سال ۲۰۱۰ پیاده شده است ایران را از فعالیت های تجاری مرتبط با غنی سازی اورانیوم و دیگر مواد هسته ای یا فناوری با دیگر کشورها ممنوع و محروم ساخته است و همچنین تمامی کشورهای عضو سازمان ملل را از مشارکت و سرمایه گذاری و یا هدایت جمهوری اسلامی در فعالیت های هسته ای منع کرده و از آنها خواسته است که از انتقال هرگونه وسائل جنگی سنگین که در قطعنامه بشرح آمده خودداری کنند.

بنابراین ملاحظه میکنید که دعوت کشورها به سرمایه گذاری در ایران فقط برای فعالیت های هسته ای بموجب قطعنامه شورای امنیت تحریم شده نه سرمایه گذاری در غیر آن مورد که شامل سرمایه گذاری در امر کشاورزی، صنعتی، سدسازی، راه سازی و حتی نفت و گاز و بسیاری موارد دیگر است از دایره تحریم ناشی از قطعنامه شورای امنیت خارج است.

ولی دیدیم که آقای باراک اوپاما و اکنش نشان داد و وزیر خزانه داری آمریکا هم علناً خطاب به سرمایه گذاران احتمالی یادآوری کرد که **تحریمها سر جایشان باقی است** یعنی اگر در ایران سرمایه گذاری کنید بر شما همان خواهد رفت که بر کمپانی **کلیبر استریم** زیر شاخه بورس فرانکفورت آلمان رفت که به مناسبت کمک به بانک مرکزی ایران باید ۱۵۲ میلیون دلار بابت خسارت به آمریکا بپردازد (رویداد

مربوط به بعدازموافقتنامه اجرائی ژنو است) وبالاخره این پیام ساده راداد که شبکه های تحریم های پیچیده همچنان باقی است و اکنون وقت بازگست به ایران نیست< اینها وامثال آنها همه در رابطه با همان تعهد ایران به درک ۵+۱ است که با امضای موافقت نامه، منفک از موافقت نامه نیست.

در عین بی اعتمادی. تقدیم اعتماد

ممکن است در جریان یک ازدواج حد اعتماد زوجین به یکدیگر اجازه دهد که زوج به زوجه و یا برعکس بگویند که ادامه عقد و یا فسخ آن به میل طرف باشد ولی محال و ممتنع است در تمام قرارداد ها بتوان موردی یافت که یکطرف خود را مقید و متعهد کند به آنچه طرف دیگر فکر کرد و احساس و درک کرد وفادار بماند و عمل کند.

در حالیکه جمهوری اسلامی بکرات بی اعتمادی خود را نسبت به آمریکا اعلام کرده و حتی در همین کنفرانس اقتصادی داووس، روحانی گفته است <بی اعتمادی ایران نسبت به آمریکا بسیار ریشه دار و عمیق است> و این مطلب حتی در همان روزهای نخست هم در مذاکرات ژنوا سوی آقای ظریف مطرح شد چرا باید جمهوری اسلامی به چنین شرطی یعنی شرط تمکین به درک ۵+۱ امضاداده باشد؟

بهبوجه قابل قبول نیست، که چون عراقچی و ظریف متن قطعنامه را نخوانده امضا کرده اند. چرا که تهیه کننده پیش نویس قطعنامه که شرط < درک > را در آن گذاشته اگر اطمینان نداشت که آن شرط با مخالفت روبرو نمیشود محال بود که چنین شرطی که در تاریخ عقود بین کشورها کاملاً بیسابقه است در متن بگنجانند چرا که با اعتراض ایرانیان، یک رسوائی جهانی برای ۵+۱ بود و یک شرمساری و عذر خواهی فاحش برای تهیه کننده آن که همان ۵+۱ بود.

محال و ممتنع است که یک حقوقدان خاصه که مسئولیت امضای سند تعهد آوری راداشته باشد، نخوانده سند را امضا کند زیرا اولاً طبیعت و تربیت حقوقدان چنین بی توجهی و سهل انگاری رابه او نمیدهد و دوم اینکه میدانند ماموریت او مشارکت در تنظیم سند، بارعایت اصول حقوقی است نمیتواند سندی را امضا کند که یکطرفه و مانند موافقتنامه ژنو باشد.

باید فرق گذاشت بین یکنفرو یایک حقوقدان که ماموریت امضای سندی رادارد با کسی که ماموریت مذاکره و تنظیم سندی رابه وکالت موکلش دارد در مورد اول برای امضا کننده سند، تکلیفی در رجوع به مطالب آن نیست ولی در مورد دوم، اصل، توجه به متن و دخالت و نظارت در سند و سپس امضای آن است.

حد درک در موافقتنامه

این تحریر ناقص است اگر توقف بیشتری روی حد درک که تعهدات نامرئی جمهوری اسلامی را در موافقتنامه ایجاد کرده است، نداشته باشد.

اطهارات آقای اوپاما به اینکه <سرمایه گذاری خارجی در ایران خیر> و نیز شخصیت های سیاسی آمریکا در رابطه با سرمایه گذاری خارجی در ایران در عبارت <سرمایه گذاری خارجی در ایران ممکن است

اشتهای ایرانیان رابه یک توافق جامع کم کند< علامت بسیارخوبی است برای حد یابی درک، درموافقتنامه ژنو!

مفهوم اظهارنظربالا چنین است که سرمایه گذاری خارجی در ایران سبب میشود که اشتهای ایرانیان به فعالیت های هسته ای زیاد شده وازتوافق جامع سرباززنند.

ادعای اینکه سرمایه گذاری خارجی سبب اشتهای ایرانیان برای فعالیت های اتمی میشود، متضمن این معناست که رفاه زندگی وپیشرفت اقتصادی واجتماعی ایرانیان، یک خطر بالقوه برای اتمی شدن ایران است واین موضوع که ناشی ازیک درک است همان است که درموافقتنامه ژنو منظور شده است.

لاجرم دامنه آن درک وادعا به همه مراتب زندگی فردی واجتماعی ایرانیان تسری خواهد یافت حتی شامل مقوله ازدواج هم میشود . چراکه دامنه درک، ممکن است به آنجا کشیده شود که فرزندان آتی ایران علاقمند به تحصیلات عالی و اشتهای فعالیت های اتمی را پیدا کنند.

بروشنی میبینیم که داروی قاطع برای کم اشتھائی ایرانیان به فعالیت های اتمی و آمادگی برای توافق جامع باغرب، نگاهداشتن آنان در فقر وفلاکت است که قاطع ترین راه، ادامه و حفظ تحریمات تحمیلی به ملت ایران است واین سیاست شوم، همان است که قرآن هم توصیه کرده است.

(اگر فراخ گردد روزی هرآینه بندگان ستم کردند در روی زمین) [یعنی اگر روزی فراخ وزندگی مرفه پیدا کردند، علیه آن رفاه وامنیت وسربلندی وبائی آن شاهنشاه ایران به ستیز میروند وامروز هم که در فقر وفلاکت گرفتارند اگر کمی به رفاه برسند به تصور ذهنی ودرک آمریکا به دنبال فعالیت های هسته ای خواهد رفت. واین، همان است که سیاست اقتصادی واجتماعی جمهوری اسلامی را محمد خاتمی از اعضای شورای نگهبان جمهوری اسلامی در عبارت زیر تشریح کرد؛

<بزرگترین کار انقلابی در زمینه اقتصاد، توزیع وتقسیم عادلانه فقر ریشه دار وگسترده در میان جامعه است. تلاش برای تعمیم وتقسیم رفاه بین مردم که نه چنین امری ممکن است واگر هم باشد نه مفید ومطلوب< (ماخذ روزنامه کیهان هوانی جمهوری اسلامی ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۰)^۱

برداشت کلی وذهنی

^۱ - احسان نراقی وهرمزفکرکرت از جمله روشن کننده های آتش فتنه خمینی در سال ۱۹۷۵ در سمپوزیوم شیراز مطالبی در باره خردگرایی و بیداری ایرانیان درحالیکه هشدار می دادند گفتند: « هجوم ماشین به زندگی سنتی ممکن است زندگی و خلاقیت را با خطر مواجه کند» اینجا بود که غرب بیدار شد . بیداری ایرانیان همیشه مورد خشم و کینه غرب بوده . بیداری ایرانیان عاقبتی دارد که غرب از آن بیمناک است . همانگونه که میبینیم مهاجر جوانی همانند ایرانیان ۷۰ % اقتصاد کشور میزبان خود در منطقه ای را که زندگی میکنند در دست گرفته اند . مهاجرین ایرانی خردگرا ترین مهاجران بعد از جنگ جهانی دوم در کشور های پذیرنده هستند. بنابراین نکته ای بسیار ظریف در این گفتار نهفته است؛ این نکته در یکی از تجزیه و تحلیل های گزارش گونه اسراییل که در سال ۱۹۷۷ به سازمان ملل ارائه شد و ایران را جامعه ای درحال پیشرفت وخطرناک جلوه داد آمده است که حاصل آن فتنه خمینی بود. ونابودی کشور و تاریخش و هرکس که در خدمت به رفاه مردم بود. این نکته در گزارشی با عنوان «ملت بیدار شو گرگ در کمین است» در باره شیوه عمل وارتباط های برخی از وزرا و کارکنان دولت دوران شاهنشاهی در سال ۲۰۰۲ و چندبار پس از آن به آگاهی رسانده شده است. ح-ک

میتوان گفت اصول کلی توافقنامه ژنو مشتمل بر تعهدات مذکور و مشروح در توافقنامه، و نیز شرط تمکین جمهوری اسلامی به درک آمریکا، از مراتب موافقت در مذاکرات سری عمان بوده که در کنفرانس ژنو آن موافقت‌های سری بصورت مکتوب درآمده است. این برداشت را هم امروز اظهارات آقای حمید بعدی نژاد احد از مذاکره‌کنندگان ارشد هسته ای ایران و نیز اظهارات رفسنجانی مبنی بر آگاهی علی خامنه ای از جریان پیش و پس موافقتنامه ژنو مستحکم و قوی میسازد (ماخذ خبر فارسی بی بی سی)